

### • غرفه اول، گذشته و حال جهان:

بشر از آغاز خلقت، همواره درد و رنج کشیده و با ستم و بی‌عدالتی هم آغوش بوده‌است. گذشته تاریخ نشان می‌دهد که استثمار و استعمار، ظلم و جهل، فقر و محرومیت، فتنه‌ها و ابتلائات، تبعیضات و نابه‌سامانی‌ها، هم‌راهان دائمی انسان‌ها بوده‌اند. اغواگری و وسوسه‌های شیطانی در این میدان هم سهم خویش را به خوبی ایفا کرده و به این مشکلات و بلاها و نامردمی‌ها، چهره‌ای زشت‌تر و جنایت‌بارتر داده و سبب گردیده‌است تا لذات زندگی مادی بر آدمیان حرام شود.

در میان اسناد گذشته، کمتر برگی را می‌یابیم که نشان دهد روزی انسان، این گل سرسبد آفرینش، در چنگال ظلم و ناامنی اسیر نبوده و زیر فشار این همه تباهی به زانو در نیامده‌باشد؛ گویی آلام و رنج‌ها و مشقت‌ها و بدبختی‌ها، یکی از شالوده‌های اصلی صحنه‌های زندگی این اشرف موجودات بوده‌است و ستمگران و جبارانی هم‌چون فرعون، چنگیز و حجاج، مسؤول بر پایی و کارگردانی این صحنه‌ها.

یک صفحه از گذشته سیاه و تاریک تاریخ، فرمان ظالمانه‌ای است که فرعون بر اساس خوابی که دیده‌است صادر می‌کند. بر مبنای این دستور و برای حفظ و بقای حکومت فرعون، هیچ نوزاد پسری بیش از چند لحظه - که کشتن او وقت می‌گرفت - مهلت زندگی نداشت و این گوشه‌ای از جنایات این فرمان‌روای ستمگر است که بر بنی اسرائیل روا شد و هزاران کودک بی‌گناه به دست جلادان به قتل رسیدند.

صفحه دیگر تاریخ، شمار کشته‌شدگان حجاج‌بن یوسف ثقفی است که به غیر از جنگ‌ها، بالغ بر صدویست‌هزار تن است و شمار زندانیان او به هشتاد هزار نفر می‌رسد!

آری، دوران گذشته، دوران ناکامی انسان و بشریت فراموش شده و انسان‌های مظلوم و انسانیت‌های بر بادرفته است و تاریخ، کمتر گذشته‌ای را می‌شناسد که در آن از ظلم و ناامنی و تجاوز و بی‌عدالتی خبری نباشد.

### دوران معاصر

آنچه مرور شد از تاریخ کهن بود؛ اما دوران کنونی: گذشت زمان، از سالیان بسیار دور تا به حال، نه تنها روال جدیدی به خود نگرفته‌است، بلکه آمار و ارقام جنگ و جنایت‌ها، ظلم و ستم‌ها، فقر و تبعیض‌ها و ... روز به روز بالاتر رفته و شدت بیشتری گرفته‌است و از کاهش درد و رنج و بدبختی آدمی خبری نیست.

## نمایشگاه میلاد نور

انسان روزگار کنونی نیز - هنوز که هنوز است - بیش از هر زمان دیگر، قربانی ظلم و بی‌عدالتی و تجاوز هم‌نوعان خویش قرار می‌گیرد...

اهریمن، اکنون بر فرزندان آدم بیش از هر دوره دیگر هجوم آورده و در لغزاندن او از صراط مستقیم جسارت بیشتری یافته است...

متأسفانه با همه پیشرفت‌های شگرف و دگرگونی‌های قابل توجه علمی و فرهنگی بشر، تاریخ معاصر، خیر شادی آور فراوانی ندارد، بلکه هم چون گذشته با ناراحتی عمیقی حرف می‌زند و از دست سازمان‌های بین‌المللی نیز کاری بر نمی‌آید.

انسان دوره معاصر از تمامی نابه‌سامانی‌های گذشته در مقیاسی گسترده‌تر رنج می‌برد. هنوز جنگ جهانی اول با بیش از بیست میلیون کشته و زخمی به پایان نرسیده است که جنگ جهانی دوم، هفتاد میلیون انسان را در کام مرگ فرو می‌برد. بمباران هیروشیما و نظایر آن، جمع‌کنندگی را از نعمت حیات محروم می‌دارد. بریتانیا در اشغال چین بیست میلیون تن و فرانسه در اشغال الجزایر بیش از دو میلیون و جنگ میان دو ویتنام، حدود دوازده میلیون کشته و زخمی به جای می‌گذارد. این، تنها گوشه‌ای از انبوه ناملایماتی است که بر انسان‌ها باریده است.

چه بسیار ملت‌هایی که در برابر چشم و گوش جهانیان، با استعمار و استثمار و آوارگی و ناکامی دست به گریبان‌اند! سلاح‌های کشنده و بمب‌باران‌های ویرانگر و جنگ و ستیزها در نبردهای کنونی، آماری میلیونی و سرسام آور را به خود اختصاص می‌دهد و دنیا را در نظر آدمی تیره و تاریک می‌سازد. مقدار بمب‌های هیدروژنی و اتمی و ... که بشر امروز در دست دارد برای ده‌ها بار ویران ساختن تمامی زمین کافی است! معلوم نیست این همه تسلیحات اتمی و شیمیایی و گازهای عصبی کشنده و بمب‌های نوترونی، موشک‌های قاره‌پیما و کشتی‌ها و زیر دریایی‌ها و هواپیماهای جنگی و ... برای چه ساخته می‌شود و برای چه هدفی به کار گرفته خواهد شد؟! آیا نه برای زیرو رو کردن زندگی این انسان رنج‌دیده و از بین بردن هستی او؟!

اغلب نظام‌های حاکم بر جهان، به جای سعادت و آسایش، تحفه فلاکت و تباهی را برای انسان‌ها به ارمغان آورده‌اند و بیش از هر دوران دیگر، او را به افسردگی، پوچی، سرخوردگی و بن‌بست رسانده‌اند.

از این رو، انسان روی زمین، اکنون در حسرت و تبعیض، در اندوه و ماتم، در بیچارگی و اضطراب، در فقر و تنگ‌دستی دست و پا می‌زند و می‌بینیم که گذشت اعصار و قرون، گلی تازه بر سر او نرده‌است و به هر حال، با

## نمایشگاه میلاد نور

بودن چنین اوضاع و گزارش‌های دردناک، جامعه انسانی نمی‌تواند به آینده امیدوار و خوش‌بین باشد و در رسیدن به خوش‌بختی واقعی و زندگی ایده‌آل و مطلوب، دچار ناامیدی نشود.

اینک، این انسان رنج‌دیده - که رفته رفته در طول تاریخ، آسایش زندگی مادی را از دست داده است - زندگی معنوی و اخلاقی‌اش هم دچار تزلزل و نابه‌سامانی گردیده و آرامش روحی خود را هم گم کرده‌است. نمونه‌های زیر برخی نشانه‌های دوران ماست که اکنون در روی کره زمین کم و بیش مشاهده می‌شود:

اسلام غریب می‌شود؛ چنان که در اول غریب بود. از دین و حق، جز اسمی نمی‌ماند. مؤمن در نگه‌داری دینش، مانند کسی است که اخگر آتش در کف خویش گرفته باشد.

مردمان دین را به دنیا بفروشدند. دین آنان، درهمشان و همت آن‌ها، شکمشان و قبله ایشان، زانیشان گردند؛ برای نان خم می‌شوند و در برابر درهم سجده آرند. پروایی نیست که از کجا شکم خود را سیر کنند. همت‌ها تنها شکم و شهوت باشد.

قرآن، مهجور و متروک گردد؛ اما ظاهر آن را بیارایند. شنیدن قرآن بر مردم سنگین و شنیدن باطل آسان آید. کتاب خدا را بر غیر حق تاویل کنند. احکام خدا تعطیل شود. حلال حق، حرام و حرام وی، حلال گردد. بدعت، سنت شود و سنت، بدعت. بدی‌ها و منکرات را ظاهر و امر بدان کنند؛ و خوبی‌ها را ترک و از آن نهی کنند.

بازار ریا، قساوت، پیروی از هواها، اتحاد بر ضد دین، بی‌آزرمی و بی‌ادبی پیر و جوان، رواج یابد. ربح و سود تجارت کم‌شود؛ چنان که این یکی گوید: چیزی نفروختم و دیگری بگوید: سودی نکردم. از مال حرام اجتناب نکنند.

ربا را حلال شمارند. تجّارشان بر ربا کار کنند. کم‌فروشی رایج شود. هر صاحب صنعتی در صنعت خود دروغ‌گو باشد. دنیا را بر آخرت مقدم دارند.

عالم نزد مردم، پست، و فاسق مورد احترام باشد. مؤمن تحقیر شود و فاسق، توقیر. اشرار بر اخیار مسلط شوند.

پرده حیا دریده شود. قطع رحم کنند. دنیا هم با آنان اقبال کند. فرزندان به پدران و مادران جفا کنند و به رفیقان نیکی. همسایه به همسایه جفا کند. اندام‌ها و هیكل‌ها، آدمی‌گون باشد؛ اما دل‌ها، دل‌های شیاطین.

## نمایشگاه میلاد نور

---

نماز و عبادات را سبک‌شمارند و زکات ندهند. اغنیا برای گردش و میان‌حالیان برای تجارت و فقرا برای ریا به حج روند.

مردان، به جامه زنان و زنان به جامه مردان درآیند. زنان به کار مشغول شوند و با شوهران در کسب و تجارت شرکت کنند.

وای از پادشاهان جبار و ستمگر! ریاست برای متاع دنیا طلب شود و رشوه، رایج گردد.

بر خلاف حق و امر خدا داوری شود. شهادتِ دروغ قبول گردد. دروغ‌گو تصدیق و حدود و احکام الهی تعطیل گردد. فسق، ظاهر و فاسق، ستایش شود. صاحبان مال و ثروت را بزرگ‌شمارند.

مسکرات، قمار، زنا، غنا، طرب، لهو و دروغ و گناهان بزرگ رایج و ظاهر شود. جور و تعدی، عمومی و هرج و مرج، قتل و خون‌ریزی، تفرقه و اختلاف، بی‌عفتی و بی‌غیرتی، دورویی و چاپلوسی، خوش‌ظاهری و بدباطنی، سخن‌چینی و کبر، حسد و حرص و بخل و دنائت زیاد شود. وفا به عهد و پیمان و اخوت و برادری در راه خدا نقصان گیرد.

آیات الهی در زمین و آسمان ظاهر شود؛ اما هیچ اثری در کسی نداشته‌باشد و در یک سخن: اسلام غریب می‌شود؛ چنان‌که در آغاز غریب بود...

آثاری که در این غرفه مشاهده می‌شود منابعی مفید برای مروری بیش‌تر بر گذشته دنیا و دوران معاصر است